

شناسایی مؤلفه‌های هدایت اخلاقی در فرآیند استنباط احکام توسط مجتهدان

۱. رضا دهقان منشادی: گروه حقوق کیفری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۲. مهدیه انوری*: گروه فلسفه حقوق، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: m.anvari58@yahoo.com

چکیده

این پژوهش با هدف شناسایی مؤلفه‌های هدایت اخلاقی در فرآیند استنباط احکام توسط مجتهدان انجام شد. پژوهش از نوع کیفی و مبتنی بر مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۴ مجتهد برجسته ساکن تهران بود. داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری جمع‌آوری شد و تحلیل آنها با استفاده از روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی به کمک نرم‌افزار NVivo انجام گرفت. یافته‌ها حاکی از وجود سه مقوله اصلی در هدایت اخلاقی استنباط فقهی بود: پیش‌زمینه‌های اخلاقی (شامل تربیت اخلاقی، خودنظارتی، نیت خالص و حساسیت به عدالت)، رویه‌های اخلاقی (اولویت مقاصد شریعت، وجدان اخلاقی، سنجش آثار اجتماعی، مشورت و احتیاط در فتوا) و چالش‌های اخلاقی (فشارهای بیرونی، تعارض نص و ارزش‌های انسانی، برداشت متفاوت مسئولیت و فاصله نسلی). این مؤلفه‌ها نقش کلیدی در تضمین کیفیت و مشروعیت استنباط فقهی دارند. نتایج نشان می‌دهد که هدایت اخلاقی در فرآیند استنباط، نقش مهمی در ارتقاء دقت، عدالت و مشروعیت احکام شرعی ایفا می‌کند و تقویت تربیت اخلاقی و ایجاد فضای مشورتی می‌تواند به بهبود عملکرد مجتهدان کمک کند. همچنین نیاز به بازنگری و تطبیق مفاهیم اخلاقی با تحولات اجتماعی امری ضروری است.

کلیدواژه‌گان: هدایت اخلاقی، استنباط احکام، مجتهدان، فقه اسلامی، اخلاق فقهی، تربیت اخلاقی

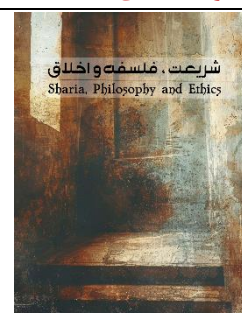
شبهه استناددهی: دهقان منشادی، رضا، و انوری، مهدیه. (۱۴۰۳). شناسایی مؤلفه‌های هدایت اخلاقی در فرآیند استنباط احکام توسط مجتهدان. *شریعت، فلسفه و اخلاق*، ۲(۲)، ۹-۱.

تاریخ ارسال: ۳۱ فروردین ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۱ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۳۱ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۳ تیر ۱۴۰۳



© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

Identifying the Components of Ethical Guidance in the Process of Jurisprudential Reasoning by Mujtahids: A Qualitative Study

1. Reza Dehghanmenschadi: Department of Criminal Law, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

2. Mahdiah Anvari*: Department of Philosophy of Law, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

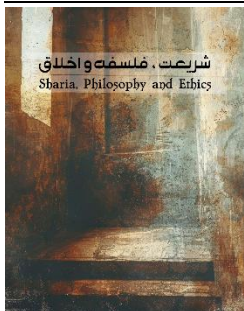
*Corresponding Author's Email: m.anvari58@yahoo.com

Abstract

This study aimed to identify the components of ethical guidance in the process of jurisprudential reasoning by mujtahids. A qualitative design was employed using semi-structured interviews with 14 prominent mujtahids residing in Tehran. Data were collected until theoretical saturation and analyzed through open, axial, and selective coding using NVivo software. The results revealed three main themes of ethical guidance in jurisprudential reasoning: ethical backgrounds (including ethical training, self-monitoring, pure intention, and sensitivity to justice), ethical procedures (priority of Sharia objectives, ethical conscience, assessment of social impacts, consultation, and caution in issuing fatwas), and ethical challenges (external pressures, conflict between texts and human values, varied responsibility perceptions, and generational gaps). These components play a critical role in ensuring the quality and legitimacy of jurisprudential inference. Findings indicate that ethical guidance significantly enhances accuracy, justice, and legitimacy in issuing religious rulings. Strengthening ethical education and establishing consultative environments can improve mujtahids' performance. Furthermore, revising and adapting ethical concepts to social changes is essential.

Keywords: *Ethical guidance, jurisprudential reasoning, mujtahids, Islamic jurisprudence, jurisprudential ethics, ethical training*

How to cite: Dehghanmenschadi, R., & Anvari, M. (2024). Identifying the Components of Ethical Guidance in the Process of Jurisprudential Reasoning by Mujtahids: A Qualitative Study. *Sharia, Philosophy and Ethics*, 2(2), 1-9.



Submit Date: 19 April 2024

Revise Date: 31 May 2024

Accept Date: 20 June 2024

Publish Date: 3 July 2024



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

فقه اسلامی به عنوان دانش استنباط احکام شرعی از منابع معتبر دینی، نقشی محوری در تعیین قواعد رفتاری و تنظیم مناسبات فردی و اجتماعی مسلمانان ایفا می کند (مطهری، ۱۳۹۸). استنباط احکام از منابع اولیه همچون قرآن کریم، سنت پیامبر (ص)، اجماع و عقل، مستلزم دقت، دانش عمیق و بینش اخلاقی از سوی مجتهدان است (قادری، ۱۳۹۷). در این میان، مسأله هدایت اخلاقی و ابعاد اخلاقی فرآیند استنباط، جایگاه ویژه‌ای دارد که کمتر به صورت نظام‌مند در متون فقهی و پژوهش‌های علمی مورد بررسی قرار گرفته است.

در عصر کنونی، پیچیدگی مسائل اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیک همراه با تغییرات سریع در جوامع، ضرورت توجه به اخلاق در فرآیند استنباط احکام را دوچندان کرده است. مجتهدان علاوه بر تسلط بر قواعد فقهی، نیازمند برخورداری از رهنمودهای اخلاقی هستند که بتواند آن‌ها را در مواجهه با مسائل نوپدید یاری دهد و استنباط‌های آنان را در چارچوب عدالت، انصاف و کرامت انسانی تضمین کند (حیدری، ۱۳۹۹). اهمیت این موضوع از آن جهت است که احکام فقهی، ضمن تأثیرگذاری گسترده بر رفتارهای فردی و اجتماعی، می‌توانند زمینه‌ساز عدالت یا ناعدالتی، همزیستی مسالمت‌آمیز یا تضادهای اجتماعی باشند (جعفری، ۱۳۹۶).

مطالعات پیشین در حوزه فقه و اخلاق به طور جداگانه به تحلیل آموزه‌های اخلاقی یا روش‌های استنباط پرداخته‌اند، اما کم‌تر پژوهشی به صورت تلفیقی به مؤلفه‌های هدایت اخلاقی در فرآیند استنباط احکام توسط مجتهدان پرداخته است (کاظمی، ۱۳۹۸). هدایت اخلاقی در این فرآیند به معنای توجه مستمر به ارزش‌ها و اصول اخلاقی نظیر عدالت، صداقت، انصاف، و حفظ کرامت انسانی در همه مراحل استنباط است. به همین دلیل، شناخت مؤلفه‌ها و سازوکارهای این هدایت، زمینه‌ساز ارتقاء کیفیت و اعتبار استنباط فقهی خواهد بود.

از منظر نظری، اخلاق اسلامی مجموعه‌ای از اصول و معیارهایی است که رفتار فرد و جامعه را هدایت می‌کند و در کانون آن، تعادل میان وظایف شرعی و حقوق انسانی قرار دارد (شریعتی، ۱۳۹۵). همچنین، نظریه‌پردازان اخلاق در فقه بر این باورند که استنباط فقهی بدون توجه به اخلاق، ناقص و آسیب‌پذیر است و ممکن است به فتوایی منجر شود که پیامدهای ناگواری برای جامعه داشته باشد (رضایی، ۱۳۹۷). در این راستا، مفهوم «هدایت اخلاقی» به عنوان راهنمایی‌های عملی و نظری برای مجتهدان جهت اتخاذ تصمیمات فقهی مبتنی بر اخلاق، جایگاه خاصی یافته است.

تحقیقات کیفی در حوزه فقه اخلاقی نشان داده‌اند که مجتهدان در عمل با چالش‌های پیچیده‌ای مواجه هستند که نیازمند ابزارهای هدایت اخلاقی می‌باشد. این چالش‌ها شامل تعارض میان نصوص دینی و ارزش‌های انسانی، فشارهای اجتماعی و سیاسی، و همچنین تأثیر تحولات فرهنگی بر فهم و تفسیر فقه است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۸). در این میان، تجربه زیسته مجتهدان و حساسیت آن‌ها نسبت به مسائل اخلاقی می‌تواند راهگشای تدوین چارچوب‌های عملی و نظری هدایت اخلاقی باشد.

علاوه بر این، مطالعات روان‌شناسی اخلاق نشان می‌دهند که تصمیم‌گیری‌های پیچیده اخلاقی نیازمند خودآگاهی، خودنظارتی و تهذیب نفس است که این عوامل می‌توانند توانمندساز مجتهدان در مواجهه با مسائل فقهی باشند (سهرابی، ۱۳۹۹). به همین ترتیب، تربیت اخلاقی دوران طلبگی و نقش اساتید اخلاق در شکل‌دهی به شخصیت اخلاقی مجتهدان، از جمله مؤلفه‌های کلیدی در این فرآیند محسوب می‌شود.

از سوی دیگر، در مطالعات اجتماعی-فقهی، نقش مشورت با اهل نظر و بهره‌گیری از خرد جمعی در تصمیم‌گیری‌های فقهی به عنوان راهکاری برای ارتقاء کیفیت هدایت اخلاقی شناخته شده است (حسینی، ۱۳۹۷). این رویکرد به مجتهدان امکان می‌دهد تا ضمن رعایت اصول اخلاقی، تصمیمات خود را بر پایه مباحث گسترده‌تر و چندجانبه اتخاذ کنند.

با این حال، پژوهش‌های موجود عمدتاً به بررسی مفاهیم کلی اخلاق در فقه پرداخته‌اند و کمتر به صورت نظام‌مند به شناسایی مؤلفه‌های هدایت اخلاقی در فرایند استنباط احکام پرداخته‌اند. این خلأ پژوهشی به ویژه در شرایطی که مسائل فقهی در مواجهه با مسائل نوین اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پیچیده‌تر شده‌اند، محسوس‌تر است.

بر این اساس، پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و بر اساس مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با مجتهدان برجسته شهر تهران، درصدد شناسایی مؤلفه‌های هدایت اخلاقی در فرآیند استنباط احکام است. هدف اصلی این مطالعه، ترسیم چارچوبی از عوامل اخلاقی و راهبردهای عملی است که می‌تواند به ارتقاء کیفیت استنباط فقهی کمک کند و زمینه‌ساز صدور احکام متناسب با مقتضیات زمان و مکان باشد. امید است یافته‌های این پژوهش بتواند به عنوان مبنایی برای تدوین الگوهای نظری و راهبردهای آموزشی در حوزه تربیت مجتهدان، همچنین در ارتقاء مباحث فقه اخلاقی کاربردی مورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر این، توجه به ابعاد اخلاقی در استنباط، نقش مؤثری در ارتقاء اعتماد عمومی به فقه و نهادهای دینی ایفا خواهد کرد که خود عاملی مهم در پویایی و ثبات اجتماعی است.

روش‌شناسی

در این پژوهش از رویکرد کیفی با هدف شناسایی مؤلفه‌های هدایت اخلاقی در فرآیند استنباط احکام توسط مجتهدان استفاده شد. به منظور دستیابی به درک عمیق از تجربیات و نگرش‌های مجتهدان نسبت به ابعاد اخلاقی در استنباط فقهی، از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بهره گرفته شد. طرح پژوهش حاضر از نوع کیفی و مبتنی بر نظریه‌پردازی زمینه‌ای است. جامعه مورد مطالعه شامل مجتهدان و فقیهان برجسته مقیم شهر تهران بود که تجربه و سابقه علمی کافی در زمینه استنباط احکام شرعی دارند. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و با استفاده از معیارهای تخصص فقهی، سابقه تدریس یا نگارش فقهی، و مشارکت در مباحث فقه کاربردی انجام شد. مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و در نهایت با ۱۴ نفر از مجتهدان مصاحبه صورت گرفت.

گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت. مصاحبه‌ها به صورت حضوری و با رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان انجام شد. محورهای اصلی مصاحبه شامل تجربه زیسته افراد در مواجهه با موقعیت‌های فقهی با بار اخلاقی، نحوه توجه به اخلاق در روند استنباط، و تعامل بین اصول اخلاقی و قواعد فقهی بود. مدت زمان هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۷۵ دقیقه بود و تمامی مصاحبه‌ها با اجازه کتبی شرکت‌کنندگان ضبط و سپس به صورت کامل پیاده‌سازی شد.

برای تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری سه‌مرحله‌ای شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شد. تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزار NVivo نسخه ۱۲ انجام گرفت. در مرحله اول، مفاهیم ابتدایی از متون مصاحبه استخراج شد. در مرحله دوم، کدهای مشابه در قالب مقوله‌های مفهومی جمع‌شدند. در نهایت، در مرحله کدگذاری انتخابی، هسته مرکزی پژوهش و روابط بین مؤلفه‌ها شناسایی گردید. به منظور افزایش اعتبار یافته‌ها، از راهبردهایی همچون بازبینی مشارکت‌کنندگان (member check)، بررسی همکار (peer debriefing)، و ثبت مستندات فرآیند تحلیل استفاده شد. همچنین، تنوع در انتخاب مشارکت‌کنندگان از نظر سابقه تدریس، دیدگاه‌های فقهی و رویکردهای اخلاقی به افزایش قابلیت انتقال‌پذیری یافته‌ها کمک کرد.

یافته‌ها

در این بخش، یافته‌های پژوهش در قالب سه مقوله اصلی شامل «پیش‌زمینه‌های اخلاقی استنباط»، «رویه‌های اخلاقی در فرآیند استنباط» و «چالش‌های اخلاقی در فرآیند اجتهاد» ارائه می‌شوند.

مقوله اول: پیش‌زمینه‌های اخلاقی استنباط

یکی از زیرمقوله‌های مهم در این بخش، «تربیت اخلاقی دوران طلبگی» بود. شرکت‌کنندگان در پژوهش بر تأثیر عمیق اساتید اخلاق و جلسات تهذیب نفس در شکل‌گیری بینش اخلاقی خود تأکید داشتند. به گفته یکی از مجتهدان: «من همچنان نصیحت‌ها و جلسات اخلاقی استاد بزرگوارم را به خاطر دارم؛ اینها مثل نوری است که راه را برای ما روشن می‌کند.» همچنین تجربه زیسته معنوی و پندهای مستقیم مراجع تقلید نیز در این زمینه برجسته شدند.

زیرمقوله «خودنظارتی و تهذیب نفس» نیز اهمیت ویژه‌ای در فرآیند اجتهاد داشت. مشارکت‌کنندگان به نقش مراقبه شخصی و محاسبه نفس در تصمیم‌گیری فقهی اشاره کردند. یک مشارکت‌کننده در این زمینه اظهار داشت: «قبل از صدور فتوا، لحظاتی در خلوت خود با خدا می‌نشینم و به عواقب اخروی تصمیمم فکر می‌کنم.» خودکنترلی و اجتناب از پیروی از هواهای نفسانی نیز از دیگر کدهای برجسته بود.

در خصوص «پابندی به نیت خالص در اجتهاد»، مشارکت‌کنندگان بر ضرورت اخلاص و اجتناب از شهرت‌طلبی تأکید داشتند. یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت: «اگر اخلاص نباشد، فتوا به جای هدایت مردم، انسان را به وادی انحراف می‌کشاند.» نیت قربی و فاصله گرفتن از حب مقام نیز از جمله مفاهیمی بود که مطرح شد.

زیرمقوله «حساسیت نسبت به عدالت و حقوق مردم» نیز در بیانات مشارکت‌کنندگان برجسته بود. دغدغه رعایت انصاف و اولویت‌دادن به منافع و مصالح عمومی از جمله مسائلی بودند که به کرات تکرار شدند. یکی از مجتهدان تأکید کرد: «فقیه باید با چشم عدالت به مسائل نگاه کند؛ اگر عدالت گم شود، استنباط ما نیز از مسیر صحیح خارج می‌شود.»

در بحث «اخلاق بین‌فردی در تعاملات علمی»، مصاحبه‌شوندگان به لزوم فروتنی علمی، احترام به آراء مخالف و اجتناب از تعصبات فقهی اشاره داشتند. یک مشارکت‌کننده بیان داشت: «مجتهد باید همواره آماده شنیدن و بازنگری در دیدگاه‌های خود باشد.»

در زیرمقوله «تجربه‌های شخصی از لغزش یا خطا»، اعتراف به اشتباهات گذشته و درس‌آموزی از آن‌ها به عنوان عاملی در ارتقاء اخلاقی مجتهد مطرح شد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این رابطه گفت: «خطاهای قبلی من بهترین آموزگارم بوده‌اند؛ هرگز نباید از اعتراف به اشتباه هراس داشت.»

همچنین در زیرمقوله «الهام‌گیری از سیره معصومان»، الگوبرداری از سیره اخلاقی امام علی (ع) و تأمل در رفتار اهل‌بیت به عنوان الگوی عملی در فتوا دادن مورد تأکید واقع شد. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان کرد: «سیره عملی اهل‌بیت همیشه راهنمای من در تصمیم‌گیری‌های دشوار بوده است.» مقوله دوم: رویه‌های اخلاقی در فرآیند استنباط

در این مقوله، زیرمقوله «اولویت‌دهی به مقاصد شریعت» به شدت مورد تأکید بود. مشارکت‌کنندگان توجه به عدالت، حفظ کرامت انسانی و اجتناب از ضرر را جزء اولویت‌های اصلی فقیه برشمردند. به گفته یکی از مجتهدان: «من همواره در ذهن خود می‌سنجم که آیا این فتوا با عدالت و حفظ کرامت انسان‌ها سازگار است یا خیر.»

زیرمقوله «درگیری وجدان اخلاقی هنگام صدور فتوا» نیز نشان‌دهنده تأملات عمیق مجتهدان قبل از اعلام احکام شرعی بود. برخی از مشارکت‌کنندگان به دلهره و تأمل عمیق در وجدان خود پیش از صدور فتوا اشاره داشتند. یکی از آنان تصریح کرد: «وجدان اخلاقی بزرگ‌ترین محک من است. اگر آرام نباشد، ترجیح می‌دهم سکوت کنم.»

در زیرمقوله «سنجش آثار اجتماعی حکم شرعی»، اهمیت ارزیابی پیامدهای اجتماعی، تربیتی و حتی بین‌المللی حکم مورد توجه قرار گرفت. یک مشارکت‌کننده بیان کرد: «حکم شرعی در خلأ صادر نمی‌شود، بلکه باید اثرش بر زندگی مردم را مد نظر داشت.»

در زیرمقوله «اجتناب از استنباط مصلحت‌محور صرف»، تأکید مشارکت‌کنندگان بر توازن میان نصوص دینی و مصلحت عمومی بود. یکی از آنان خاطرنشان کرد: «توجه بی‌اندازه به مصلحت، گاهی ما را از نصوص دور می‌کند و مرزهای اخلاقی فقه را متزلزل می‌سازد.»

زیرمقوله «مشورت اخلاقی با اهل نظر» نیز نشان داد که بسیاری از مجتهدان تمایل دارند در موضوعات اخلاقی از مشورت اهل خبره استفاده کنند. یکی از شرکت‌کنندگان اظهار داشت: «در موارد دشوار، حتماً با کسانی که دغدغه اخلاق دارند مشورت می‌کنم.»

همچنین در زیرمقوله «احتیاط در فتوای حساس و پرچالش»، برخی شرکت‌کنندگان به استفاده از تعلیق فتوا، پذیرش محدودیت دانش و دعوت عمومی به تأمل بیشتر اشاره داشتند. به گفته یکی از آنان: «هرجا که تردید اخلاقی داشتم، با احتیاط سخن گفته‌ام.»

مقوله سوم: چالش‌های اخلاقی در فرآیند اجتهاد

یکی از چالش‌های برجسته «فشارهای بیرونی و سیاسی» بود. مشارکت‌کنندگان به وجود فشار نهادهای سیاسی و امنیتی در فرایند استنباط اشاره کردند. یک مجتهد تصریح کرد: «برخی مواقع فشارهای سیاسی مانع از بیان صریح فتوا می‌شود و این یک چالش اخلاقی جدی است.»

زیرمقوله «تعارض بین نص و ارزش‌های انسانی» نیز مطرح شد. مصاحبه‌شوندگان بیان کردند گاهی میان نص صریح و اصول اخلاقی انسانی تعارض پیش می‌آید که تصمیم‌گیری را دشوار می‌کند. یکی از آنان گفت: «گاهی وجدان انسانی ما چیزی می‌گوید و نص ظاهراً چیزی دیگر.»

«افراط و تفریط در تفسیر اخلاق فقهی» از دیگر چالش‌ها بود. شرکت‌کنندگان اشاره داشتند تفسیرهای بسیار سخت‌گیرانه یا تساهل بیش‌ازحد می‌تواند مسیر اخلاقی را منحرف کند.

زیرمقوله «برداشت متفاوت از مسئولیت مجتهد» نشان داد که شرکت‌کنندگان گاهی در تعریف مسئولیت اجتماعی و تکلیف‌محوری خود با تردید روبرو می‌شوند. یکی از آنان گفت: «گاهی نمی‌دانیم وظیفه ما صرفاً بیان نص است یا باید به پیامدها نیز توجه کنیم.»

در نهایت زیرمقوله «فاصله با نسل جدید و فهم ارزش‌های نوپدید» نشان داد که مجتهدان گاهی در درک زبان اخلاقی نسل جدید با چالش مواجه هستند. یک مشارکت‌کننده بیان کرد: «درک زبان اخلاقی نسل امروز برای ما دشوار شده است.»

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های هدایت اخلاقی در فرآیند استنباط احکام توسط مجتهدان انجام شد. یافته‌های کیفی نشان داد که هدایت اخلاقی در این فرایند متأثر از سه مقوله اصلی است: پیش‌زمینه‌های اخلاقی استنباط، رویه‌های اخلاقی در فرآیند استنباط، و چالش‌های اخلاقی در فرآیند اجتهاد. این نتایج علاوه بر تأیید مفاهیم کلی اخلاق در فقه، به تفصیل سازوکارها و موانع هدایت اخلاقی را نیز آشکار ساخت.

در مقوله پیش‌زمینه‌های اخلاقی، نقش تربیت اخلاقی دوران طلبگی، خودنظارتی و تهذیب نفس، پابندی به نیت خالص، حساسیت نسبت به عدالت و حقوق مردم، اخلاق بین‌فردی در تعاملات علمی، تجربه‌های شخصی از لغزش، و الهام‌گیری از سیره معصومان برجسته شد. این یافته‌ها همسو با مطالعات محمدی و همکاران (۱۳۹۸) است که بر اهمیت تجربه زیسته و تربیت اخلاقی در شکل‌گیری نگرش‌های فقهی تأکید داشته‌اند. همچنین، سهرابی (۱۳۹۹) در پژوهش خود نشان داده است که خودآگاهی و مراقبه اخلاقی، کلیدهای اصلی تصمیم‌گیری درست و پایدار در مجتهدان به شمار می‌آید. پابندی به نیت خالص نیز از منظر رضایی (۱۳۹۷) یکی از اصول بنیادین استنباط اخلاقی محسوب می‌شود که مانع انحراف در مسیر اجتهاد می‌گردد.

مقوله دوم، رویه‌های اخلاقی در فرآیند استنباط، شامل اولویت‌دهی به مقاصد شریعت، درگیری وجدان اخلاقی هنگام صدور فتوا، سنجش آثار اجتماعی حکم شرعی، اجتناب از استنباط مصلحت‌محور صرف، مشورت اخلاقی با اهل نظر و احتیاط در فتوای حساس بود. این نتایج با یافته‌های حیدری (۱۳۹۹) که بر اهمیت عدالت، کرامت انسانی و وجدان اخلاقی در فرآیند فتوا دادن تأکید کرده است، همسو است. همچنین، حسینی (۱۳۹۷) بیان کرده است که مشورت با اهل نظر و مشارکت جمعی از عناصر کلیدی در تضمین اخلاقی بودن استنباط فقهی است. رویکرد احتیاط در فتوای حساس نیز با مطالعات جعفری (۱۳۹۶) و کاظمی (۱۳۹۸) که ضرورت حفظ دقت و پرهیز از تعجیل را توصیه کرده‌اند، تطابق دارد.

مقوله سوم که به چالش‌های اخلاقی در فرآیند اجتهاد اختصاص داشت، نشان داد فشارهای بیرونی و سیاسی، تعارض بین نص و ارزش‌های انسانی، افراط و تفریط در تفسیر اخلاق فقهی، برداشت متفاوت از مسئولیت مجتهد و فاصله با نسل جدید از مهم‌ترین موانع هدایت اخلاقی به شمار می‌روند. یافته‌ها در این حوزه مشابه نتایج پژوهش محمدی و همکاران (۱۳۹۸) است که فشارهای اجتماعی و سیاسی را از عوامل پیچیده‌کننده روند استنباط فقهی برشمرده‌اند. همچنین، در مطالعات رضایی (۱۳۹۷) و حیدری (۱۳۹۹) به تعارض‌های اخلاقی ناشی از تفاوت‌های میان نصوص شرعی و ارزش‌های نوپدید انسانی اشاره شده است. این موضوع نشان می‌دهد که مجتهدان در مواجهه با تحولات فرهنگی و اجتماعی نوین نیازمند بازنگری در چارچوب‌های اخلاقی و فقهی خود هستند.

افزون بر این، تنوع برداشت از مسئولیت اجتماعی مجتهدان، بیانگر نیاز به روشن شدن مرزهای نقش اخلاقی آن‌هاست که می‌تواند به ارتقاء شفافیت و اعتماد عمومی کمک کند (سهرابی، ۱۳۹۹). فاصله نسلی نیز چالشی است که حاکی از ضرورت بروز رسانی مفاهیم و زبان اخلاقی در فقه معاصر دارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

References

- Jafari, M. (2017). Principles of jurisprudence and social justice. Tehran: University of Tehran Press.
- Heydari, A. (2020). Ethics in contemporary jurisprudence: Challenges and opportunities. Journal of Jurisprudential Studies, 12(4), 25–48.
- Hosseini, R. (2018). Consultation in jurisprudence and its role in religious decision-making. Religion and Society Quarterly, 8(2), 99–122.
- Kazemi, S. (2019). A comprehensive approach to ethics and jurisprudence. Humanities Journal, 5(3), 45–65.
- Motahari, M. (2019). Islamic jurisprudence: Foundations and principles. Tehran: Sokhan Publishing.
- Mohammadi, F., Rezaei, M., & Karimi, N. (2019). Ethical challenges in the process of ijtihad. Islamic Studies Journal, 15(1), 11–34.

- Qaderi, H. (2018). Jurisprudential reasoning in Shia jurisprudence: Foundations and methods. Qom: Madrasa Publishing.
- Rezaei, M. (2018). Ethics and jurisprudence: Necessities and obstacles. Journal of Islamic Ethics, 9(1), 3–27.
- Sohrabi, K. (2020). Psychology of ethics and decision-making in mujtahids. Islamic Psychology Quarterly, 6(2), 50–75.
- Shariati, A. (2016). Foundations of Islamic ethics. Tehran: Imam Sadegh Publishing.